

Nimrooz-Tehran-Ali Mostalizadeh-From the Hot Hot Tehran

Vol. 15, No. 738, Friday, June 13, 2003

<http://www.nimrooz.com/html/738/108198.htm>

سال پانزدهم - شماره ۷۳۸ - جمعه ۲۳ خرداد ماه ۱۳۸۲

از تهران داغ داغ- علی مستعلی زاده

بزودی حکم جلب هاشمی، ولایتی و فلاحیان به دادگاه بین المللی فرستاده میشود

تا به حال یکی از پسران هاشمی از ایران به کانادا مهاجرت کرده است.

فحش‌های چار واداری در مجلس اسلامی

علی یاری؛ نماینده‌ای که برای نماینده شدن، برادرزاده بی گناهِش را دار زد
جوک‌هایی که برای خامنه‌ای در سفر به ارومیه درست شده، قابل نقل نیست
همسر و پسرهای سعید امامی به آمریکا رفتند و در خانه‌ای که خامنه‌ای
برایشان خریده ساکن شدند

پرونده ناموسی و مالی علیزاده رئیس کل دادگستری در وزارت اطلاعات
برج پانصد میلیاردی زعفرانیه روی دست سازنده‌اش ماند، همه خریداران
منصرف شده‌اند

نوار فحاشی نمایندگان مجلس، دست به دست می‌گردد

علی مزروعی: ما در جامعه چاقوکشان زندگی می‌کنیم

تصویر آلت تناسلی در کشوی نمایندگان اصلاح طلب مجلس

بیماری مرگبار خامنه‌ای او را دچار افسردگی کرده است، دائماً گریه می‌کند،
تسبیح می‌اندازد و از خدا طلب عفو می‌کند

خانواده خمینی از پنج سال پیش هاشمی رفسنجانی و همسرش را راه
نمی‌دهند

دزدی در خانه محسن نوربخش برای یافتن سهام و مدارک هاشمی رفسنجانی
به راستی که هفته گاو خوب هفته‌ای بود به خاطر آن که گاوها به جان هم
افتادند و هفته خوبی برای همه ساختند. گاوبازاری بود تماشائی. یک نوار
صدا در تمام دانشگاه‌ها دست به دست شد و در تحصن بچه‌های یزد هم به
آنها کمک کرد که شبشان به خوبی بگذرد، در حالی که روزی زمین خالی
میخوابند و بیست روز از تحصنشان میگذرد و کسی به دادشان نمیرسد. یزدی
هم هستند، همه‌شان به لهجه شیرین یزدی به همشهری خود آقای خاتمی
فحش میدهند، فحشهای شنیدنی.

اما نوار چیست، خودش شنیدنی است. نوار جلسه روز یکشنبه مجلس است که
در آن علی مزروعی به مهدی کروبی رئیس مجلس میگوید بابا گلی به جمال

ناطق نوری چرا جلو ما را میگیری که درباره نامه به رهبری حرفی نزنید چون شورای امنیت ملی ممنوع کرده است ولی همه جا فحشش هست. هم کیهان، هم رسالت و هم در نمازهای جمعه فحشمان میدهند. مزروعی داشت شرح میداد که در مشهد حزب الهی های کاوه و چاقوکش های واعظ طبسی، او و دویست نفر از مردم را هشت ساعت حبس کرده بودند و اجازه خارج شدن از محل سخنرانی نمیدادند تا زمانی که اعلام شد که سخنرانی نماینده مجلس لغو شده و آن وقت مزروعی که با یک راننده آژانس از تهران رفته بود، فهمید که بیچاره راننده نیست، تصور کرد که از آن شلوغی ترسیده و فرار کرده. پس از استاندار که او هم از حبس شدگان گروه چاقوکش های حزب الله بود، ماشینی گرفت و در حالی که دو سه ماشین مشایعتش میکردند که در راه گرفتار مصیبت آنها نشود از مشهد گریخت.

مزروعی داشت حادثه را شرح میداد که یک باره علی یاری که از چاقوکشهای بازاری مجلس است، طاقت نیاورد که به دوستانش بد بگویند و فریاد کشید جامعه چندصدائی دموکراتیک همین است دیگه، گریه نداره. مزروعی هم گفت برو آقا ما در جامعه چاقوکشان زندگی میکنیم که علی یاری فریاد کشید؛ خفه شو مادر[...]. [در اینجای نوار، صدای دخترکی که نماینده مجلس شده و تازه عروس بود که سعید مرتضوی حکم داد که به زندان برود، یعنی فاطمه حقیقت جو که از اتفاق از خیلی از سبیل کلفت های اصلاح طلب با غیرت تر است، بلند شد که آقا خجالت بکش که آقا علی یاری داد زد من چرا خجالت بکشم، شوورت خجالت بکشه که تو [...].] را گذاشته که از خونه هر جا میخوای بری...

در اینجا مجلس ادب و عرفان اسلامی به جنجال کشیده شد و صدای مزروعی آمد که با لهجه غلیظ اصفهانی داد میزد؛ چاقوکشی دیگه... که ناگهان صدائی مثل زورخانه بلند شد که یکی انگار در آن ضرب میزد و معلوم شد که علی یاری یورش برده که مزروعی را کتک بزند و کتتش را هم کنده بوده است. این خیمه شب بازی از رادیوی مجلس پخش شد و بلافاصله نوار آن در سراسر دانشگاه ها دست به دست گشت.

دانشجویان دختر از شنیدن جملات درمانند نمایندگان بازار و ذوب شده در ولایت فقیه، محروم ماندند که بدآموزی نشود. جالب است که اینها همه شان هم از اخلاق و رعایت آن حرف میزنند و دائم از غرب انتقاد میکنند که در آن حرفهای بی ترتیبی از تلویزیونها پخش میشود و جالب است که همیشه هم فحش های چارواداری از قافله ولایتی ها صادر میشود. مانند دو هفته پیش که حراست مجلس مأمور به تحقیق شد و آشکار گردید که در کازیه تمام نمایندگان که نامه به رهبری را امضاء کرده بودند و از جمله خانمها،

تصویر بزرگی از یک آلت تناسلی مرد گذاشته بودند. گفته شد کروبی، حداد عادل رئیس فراکسیون بازاری ها و هواداران ولایت را صدا کرده و عکس را به او نشان داده و گفته باید جلو اینکار را گرفت و اگر خبرنگاران به اشاره هم درباره آن بنویسند، بد میشود. رئیس فرهنگستان زبان جمهوری اسلامی که از او به عنوان استاد یاد میشود به کروبی گفته بود از کجا که خود اصلاح طلبان در کشورهای خودشان نگذاشته باشند که دوستان ما را بدنام کنند و اگر راست میگوئید خبرنگاران را صدا کنید و آنها را تهدید کنید که اگر کلمه ای در این باره حتی اشاره کنند، به حراست مجلس تحویل داده میشوند. اما حالا که داستان چاقوکشی و عربده کشی علی یاری را شنیدید که صدایش همه جای کشور هست، خود او را هم بشناسید که از عاشقان سینه چاک ولایت است و قسم راستش به جان آقااست که همان خامنه ای باشد. این علی یاری که وکالت خود را به نوشته خودش اول مدیون عسکراولادی میداند و بعد هم از تصدق سر ماجرای برادرزاده اش که در حوزه انتخابیه او به اتهام زنا محسنة دستگیر شد و او خودش در آستانه انتخابات حلقه دار را بر گردن او انداخت و این نشانه تعهد و التزام عملی او به اسلام شناخته شد و حالا معلوم شده که آن جوان دانشجو برایش پرونده سازی شده بود و شوهر زن که از اعضای اصلی سپاه پاسداران بوده قصد ازدواج داشته و زن را مانع میدیده این پرونده را برای او ساخته که از دستش خلاص شود بی آنکه اصلا برایش مهم باشد که آخوند احمق بر اساس شهادت او برای جوان که جرمش فقط همکلاسی بودن با آن زن بود، حکم سنگسار صادر میکنند که بعد به اعدام تبدیل میشود.

نماینده ای که با این ترتیب خاص به مجلس راه یافت و از روز اول از بزن بهادرهای مجلس بود. به خصوص در مورد مفاسد اقتصادی بسیار حساس بود و بعد از هر سخنرانی آقا درباره اش نطق قبل از دستور میکرد و دستمال یزدی به دست از آقا تملق میگفت. علی یاری در ماجرای شهرام جزایری، بارها با کیهان مصاحبه کرد و بیانات پرشوری درباره لزوم مبارزه با مفاسد بیان داشت و از جمله روزی که حسین شریعتمداری در کیهان تیتر زده بود که شصت نماینده اصلاح طلب مجلس در فساد مالی دست داشته اند، همین علی یاری با خبرنگار کیهان مصاحبه کرده بود که بله باید این نماینده های فاسد را از مجلس بیرون انداخت.

در تلویزیون هم چند باری با او درباره پرونده شهرام جزایری صحبت شده بود و همه اش حرف او درباره سلامت در اسلام بود و این که نماینده نباید دستش به پول آلوده باشد و پول چرک کف دست است و... زد و دادگاه شهرام جزایری پخش شد و از جمله کسانی که نامش در فهرست پول بگیران بود خود این

علی یاری بود که معلوم شد پنجاه ملیون تومان ناقابل از شهرام جزایری گرفته است و اینجا بود که صدایش بلند شد که آقا حیثیت افراد در اسلام محترم است و نباید پایمال شود. در فهرست معلوم شد که از قضا این اصلاح طلبان بدبخت سرشان بی کلاه بوده و خود این علی یاری کسی است که کارت برای تردد در مجلس برای شهرام جزایری گرفته و همه پول بگیرها که بعد درز گرفته شد از اعضای فراکسیون ولایت فقیه بوده‌اند مگر دو تن از اصلاح طلبان نامی که یکی مهدی کروی رئیس مجلس بود که خیلی صریح اعلام کرد هر وقت بقیه آخوندها پولی را که از مردم میگیرند پس دادند ما هم پس میدهیم که مقصودش شخص خامنه‌ای بود و دیگری اصلاح طلب پول گرفته حضرت آقاهادی خامنه‌ای برادر اصلاح طلب مقام رهبری بود که ایشان هم رقم ناقابل پانصد ملیون تومان را به جیب زده بودند.

او هم گفت بروید از اخوی بگیرید. تازه در تحقیق تفحص معلوم شد که دستگاه صدا و سیما که تحت نظر ولی فقیه است از همه بیشتر به این شهرام جزایری حال داده است، هم پنج میلیارد به او وام داده و هم دویست ملیون کمیسیون این وام به مهندس منتظری سردبیر روزنامه جام جم داده شده که کیف کند و به ریش اصلاح طلب‌ها بخندد ولی از همه بدبخت تر علی یاری بود که وقتی از او پرسیدند تو که از شهرام جزایری پول گرفته بودی خب چرا اینقدر داد و بیداد کردی در ماجرای او.

بیچاره با گریه گفت؛ آن سگ پدر پسر مقتدائی، از من پنجاه ملیون گرفته بود که اسمم در پرونده شهرام جزایری مطرح نشود. حالا هم اگر پولم را ندهد در مجلس افشاگری میکنم. البته اینکار را نکرد چون پیغام به او رسید که اگر کردی پرونده برادرزاده ات رو میشود. حالا همه ماجرای شهرام جزایری را فراموش کرده‌اند و خود او هم رفته جای سابق مرتضی رفیقدوست که وقتی زندان بود ریاست کارپردازی زندان را به عهده داشت و روزها به دفترش میرفت و شبها برای خواب به اوین میرفت آنهم در بخش مخصوصی که هم نامش در گزارشها باشد و هم به امور عام المنفعه برسد.

بازی گاو بالاخره دامن گاو فرمان بریده که همان حسین بازجو باشد را گرفت و در کشمکش او با سعید مرتضوی تا حالا یک امتیاز به بچه یزدی داده شده که به قول نبوی ملیجک خامنه‌ای است که به او میگویند ملی جان. بله به دستور مرتضوی، کیهان برای یک روز تعطیل شد آنهم سر گاوی که شریعتمداری نوشته بود وقتی نظارت استصوابی نباشد سرش را پائین میاندازد و به مجلس میرود.

بوی الرحمان بلند است

هفته گذشته خانه سازمانی رئیس بانک مرکزی که هنوز خانواده مرحوم محسن نوربخش در آن ساکن اند را دزد زد. دزدی که هیچ چیز قیمتی را نبرده و وقتی که ساکنان به خانه برگشته‌اند در خانه بوده و بی نگرانی دزدها سوار ماشینشان شده و رفته‌اند. شماره اتومبیل‌هایشان هم برداشته شده ولی کاری از پیش نمی‌رود. دعوا بر سر محتویات گاو صندوق نوربخش است که مقداری سند و سهام متعلق به بزرگان در آن نگاهداری می‌شده است که به ظاهر همسر نوربخش حاضر نشده آنها را به محمد هاشمی بدهد که از سوی برادرش آمده بود و با دادن نشانی آنها میگفت که این اسناد متعلق به او و برادر زجرکشیده‌اش می‌باشد.

در زمانی که فشارهای آمریکا علیه حکومت آخوندها شدت پذیرفته، وحشت بزرگی در دل آنها افتاده است. در جزوه‌ای که در دانشگاه‌های قم منتشر شده خبر داده بودند که صانعی و حائری و تبریزی قصد آن داشته‌اند که با آرام شدن اوضاع نجف و کربلا به آن شهرها سفر کنند و بازگردند. علتی که اعلام کرده‌اند، نیاز حوزه نجف به استادان ایرانی است ولی حکومت میدانند که آنها دارند به جایی فرار میکنند که منعی برای سخنرانی نداشته باشند و آزاد باشند و میدانند که اگر پای آنها به نجف برسد علیه جمهوری اسلامی سخن خواهند گفت و اوپوزیسیون مؤثری علیه آنها به وجود می‌آید. در جزوه نوشته شده بود که عده‌ای حدود دویست هزار نفر از مریدان منتظری از او هم دعوت کرده‌اند که به عراق بروند و حکومت و اصلاح طلبان به اصرار از او خواسته‌اند که از اینکار خودداری کند. منتظری جواب را به استخاره موکول کرده است، استخاره در شب اول ماه.

نشانه دیگر فرارها، ماجرای خانه‌های میلیاردری شمال تهران است که بعد از تصمیم وزارت مسکن به ممنوعیت ساخت بالا تر از سه طبقه در شهر، پیش بینی می‌شد که بهای برج‌های بالای شهر سرسام آور ترقی کند ولی به فاصله چند روز معلوم شد که نه تنها چنین اتفاقی نیفتاده بلکه سی نفری هم که برج‌های گرانبه‌ای را پیش فروش کرده بودند آنرا پس داده‌اند و قیمت خانه‌های گران در شمال تهران نزول کرده است. چرا چون صاحبان آنها در حال فرار از کشور هستند.

برج حاجی صحیح النسب و پسرانش که در آمریکا هم فعالیت‌های تجاری دارند و با شراکت آیت الله غیوری بزرگ‌ترین و گران‌ترین برج تهران را داشتند می‌ساختند، آنرا به علت نبودن مشتری و پس دادن سفارش‌های اولیه متوقف کرده‌اند. این برج که بیست پنتاهوس بالاتر از سه میلیارد تومان در آن است که جاکوزی و استخر سرپوشیده و باغچه‌هایی در طبقه بیستم برای آن پیش بینی شده است، در مجموع پانصد میلیارد تومان حدود ۶۵۰ میلیون دلار

قیمت دارد و حالا که رها شده است میگویند که رفیق دوست که خودش سه تا از پنتاهوس را خریده بود، حاضر شده است آنرا به نصف قیمت تمام شده همین حالا بخرد که معامله در مراحل نهائی است.

جوانی که به جواب خود رسید

این هفته که سالگرد مرگ خمینی بود مثل هر سال همه سران حکومت در مرقد او گرد آمدند و به قول صدا و سیما با رهبر کبیر انقلاب تجدید بیعت کردند ولی در حقیقت رفتند که به حال خود گریه کنند. اول از همه خامنه‌ای بود که روزی به آنجا رفت که به شدت دچار افسردگی و بیماری مرگباری بود که به آن مبتلا شده به طوری که هیچ داروئی در او اثر نمیکنند. او وقتی در این حالت می‌افتد، دائم گریه میکند و تسبیح میاندازد و از خدا طلب عفو میکند. روز چهارده خرداد هنگام ورود خامنه‌ای که با هلی کوپتر و اسکورت صد نفره رفته بود و از شب قبلش حرم را قروق کرده بودند که کسی هوای کشتن او را به سر راه ندهد، همان موقع که از هلی کوپتر پیاده شد به حسن خمینی گفت من از دست خانواده شما خسته شده‌ام و آمده‌ام امروز شکایت شما را به آقا بکنم.

حسن خمینی که به شدت جا خورده بود، به اشاره دور وبری‌ها چیزی نگفت تا زمانی که آقا به نطق پرداخت. هر چه مردان خانواده خمینی بی عرضه هستند زنانشان، پرجربزه‌اند چنان که خانم ثقفی همسر خمینی به صراحت به زن خامنه‌ای که به دستبوس او رفته بود، گفته است دیگر هیچ کس نیست که به آن بیچاره هم نفرین نکند، به آقا علی آقا بگو خوب از چیزی که به دست سپرده بود، محافظت کردی اون از احمد و حالا در مورد دخترهام. درست است که شما هم دربار می‌خواهید ولی اندازه دارد مگر آن بدبخت نگفت شما از هاشمی تقلید نکنید، پس چی شد. فهیمه بروجردی دختر کوچک خمینی و فاطمه طباطبائی همسر احمد خمینی که هر دو از طرفداران خاتمی هستند، در گفتگوئی تند با خامنه‌ای در حضور دیگران گفته‌اند ما باید از حیثیت پدرمان دفاع کنیم، این چه بلائی است که شما بر سر دوستان و قایل او می‌آورید.

خانواده خمینی از پنج سال پیش، هاشمی رفسنجانی و همسرش را راه نمیدهند. داستان هم مربوط به زمانی است که در مجلس خانوادگی موقع انتخابات مجلس هفتم، عفت مرعشی همسر هاشمی رفسنجانی از خانم خمینی گله کرده بود که چرا جلو نوه‌اش را نمیگیرد که با شوهرش اینهمه علیه آنها سم پاشی می‌کند. مقصودش لیلای اشراقی نوه خمینی، همسر محمد رضا خاتمی بود. همسر خمینی هم به تندی گفته بود مدتی شماها بردید،

بگذارید حالا هم کمی اینها ببرند. از آن زمان خانواده‌ها قهرند و گفته میشود به دستور هاشمی اعضای خانواده خمینی تحت نظر هستند و اجازه سخنرانی هم به کسی جز حسن داده نمیشود. ولی همین امسال خامنه‌ای بودجه مرفد را دوبرابر کرد که باجی به خانواده خمینی داده باشد ولی به دستور خانم ثقفی پول را به خامنه‌ای برگرداندند و گفتند احتیاجی به آن نبود.

هرکس از ایران بیرون رفت، محبوب‌تر است خوشمزه این است که هر کس از ایران بیرون میرود بیشتر محبوب بچه‌های دانشگاه میشود، این موضوع درباره ابراهیم نبوی هم صدق میکند که از دو سه ماه پیش که از ایران رفته، هر روز در تابلوی اعلانات دانشکده نوشته‌ای از او هست. هفته گذشته این مطلب را به قلم او در تابلو گذاشته بودند و دانشجویان هم صدتائی خبر به آن اضافه کرده بودند که یکی از یکی خواندنی‌تر بود. چند تا جوک هم گذاشته بودند که چون همه‌اش درباره سفر خامنه‌ای به رشت و ارومیه بود و حمام رفتن وی با امام جمعه ارومیه قابل نقل نیست. نبوی نوشته است:

در ایران یک قانون مهم وجود دارد. هر وقت قرار است صلح بشود، دولت اعلام کابینه نظامی می‌کند و یک هفته بعد صلح می‌شود. به نظرم می‌آید این مسخره بازی‌های اخیر در رابطه با حزب الله، پوشش مذاکره با امریکاست. این جوری کسی حواسش به موضوع نخواهد بود. البته ما که مشکلی الحمدالله با مذاکره نداریم، ولی من نمی‌دانم چرا این آقایان می‌خواهند یک بشقاب ماکارونی بخورند، چرا یک سس چیز هم روی آن می‌زنند که کوفتشان بشود؟ با روی کار آمدن شهردار جدید تهران که ظاهراً در گذشته به تروریسم علایقی هم داشته، پوشیدن لباس آستین کوتاه در شهرداری ممنوع شد. طبیعی است وقتی لباس آستین کوتاه ممنوع شود، حتماً حاجی زم هم از شهرداری بیرون خواهد رفت. به هر حال هر چیزی به آستین کوتاه مربوط است. البته پیراهن آستین کوتاه یک خوبی دارد و آن اینکه دست استکبار وقتی از زیر آستین کوتاه بیرون می‌آید زودتر معلوم می‌شود.

یا منو ببر به خونه تون یا بیا به خونه ما در خبرها آمد که جلسات شورای نگهبان گویا در خانه آقای جنئی تشکیل می‌شود. فعلاً که همه چیز پسرخاله بازی است. احتمالاً تا چند سال دیگر مجلس شورای اسلامی در حیاط خانه ناطق نوری تشکیل می‌شود و جلسات شورای عالی قضائی در خانه شاهرودی برگزار می‌گردد. با پخش خبر تشکیل

جلسات در خانه جنتی ایشان خیلی ناراحت شده است. معمولاً در ایران کسی از انجام کاری ناراحت نمی شود، بلکه از پخش خبرش ناراحت می شود.

باید رأی بیاورند
در ایران اخیراً یک شیوه جدید در دموکراسی کشف شده است. و آن این است که مردم موظف می شوند در یک دوره به یک گروه رأی بدهند، حتی از مردم خواهش هم نمی شوند، بلکه به زور دستور داده می شود. شاهی عربلو گفت: در مجلس هفتم کسانی باید رأی بیاورند که طرفدار رهبری و مردم باشند. این دستور عزیز و محترم چند اشکال دارد: ۱) اگر ۲۷۰ نفر در ایران پیدا نشد که طرفدار رهبری و مردم باشند کمبود آنرا از کجا باید وارد کرد؟ ۲) اگر خدای ناکرده مردم نخواستند به این افراد رأی بدهند باید چطور آنها را مجازات کرد؟ ۳) اگر کسانی طرفدار مردم بودند و طرفدار رهبری نبودند (و بالعکس) وضع آنها چه می شود؟ ۴) اصولاً در حال حاضر نمی شود که یک نفر هم طرفدار رهبری باشد و هم طرفدار مردم، مگر اینکه دروغ بگویند، آخ یادم رفت، شرط راستگویی جزو شرایط انتخابات نبود.

۳۰ درصد زیر خط فقر
ظاهراً ۳۰ درصد جوانان قم زیر خط فقر زندگی می کنند و در شرایط اجباری و خطرناک به سر می برند، معاون سیاسی استانداری قم گفت: فقط ۳۰ درصد جوانان قمی تلویزیون نگاه می کنند و بقیه ماهواره و فیلم های غیر اخلاقی می بینند.

زندانی مالی
اصولاً در ایران دلیل خاصی وجود ندارد احمد زید آبادی و اکبر گنجی به بند زندانیان مالی رفتند. اعتراض خانواده های آنان به این وضع معلوم است که به نتیجه نمی رسد. این هم گفتن دارد؟

ایران و آمریکا
بنا به اعلام منابع عراقی در طول دوماه گذشته، ۶۰ روزنامه و هفته نامه در عراق منتشر شده است. از سوی دیگر دولت آمریکا ورود اتباع ایرانی به عراق را ممنوع کرد. احتمالاً دلیل این کار این بود که ایرانی ها چون در ایران جای کمی برای اعمال خشونت و زور گفتن دارند و حالا هم فصل تابستان است حضور ایرانیان در عراق ضرورت دارد. اما یک منبع دیگر معتقد است احتمالاً اگر ایرانیان به عراق بروند کار خیر که نمی کنند، حتماً اولین کاری که

می‌کنند این است که این ۶۰ نشریه را تعطیل می‌کنند و دفترش را آتش می‌زنند. عسگراولادی نماینده خداوند متعال در هیات‌های موتلفه اعلام کرد: مطرح کنندگان مذاکره، جوان و ناآگاهند. همیشه در جمله‌های عسگراولادی این توهم وجود دارد که گوینده آدمی است که خدای ناکرده اطلاعاتی در مورد حرفی که می‌زند دارد. جمهوری اسلامی از آمریکا خواست که لحن تهدید آمیز را متوقف کند. قرار شد در پی این اظهار نظر لقب پرروترین حکومت جهان را که هفته‌ای هفت روز مردمش را تهدید می‌کند به جمهوری اسلامی ایران بدهند.

نامه نویسی ممنوع، قرار است وزارت پست را هم نابود کنند. اصلا قرار است تولید و واردات تمبر و پاکت در حکم محاربه با امام زمان قرار بگیرد. طلاب بسیجی خواف و رشتخوار مقیم مشهد (که دین اسلام بدون وجود آنها نابود می‌شود) اعلام کردند: نامه سرگشاده به رهبری جسارت به ساحت مقدسات است.

خبر جدید را بخوانید

خبرهای نبوی شوخی بود، اما بگذارید چند تا خبر جدی به شما بدهم که اگر کسی هم شک کرد و گفت که منبع شما کجاست در جوابش بگوئید منبع نیمروز و از او خواهش کنید که چند هفته صبر کند اگر غلط بود تف بیندازد به روی مستعلی زاده.

اولین خبر آنکه فرزندی یکی از دومین نفر در سلسله مراتب جمهوری اسلامی که همان هاشمی رفسنجانی باشد و از قضا دختر هم نیست که فوراً نظرتان به فائزه هاشمی برود که در زمان انتخابات از زبان اکبرگنجی نوشته بودند که او تنها مرد خانواده هاشمی است بلکه پسر دوم رئیس جمهور مادام‌العمر است، به سلامتی و مبارکی به کشور کانادا رفت و اقامت دائم گرفت و قرار هم هست که به‌طور رسمی اعلام شود.

خبر دوم اینست که پرونده عباسعلی علیزاده رئیس کل دادگستری تهران در وزارت اطلاعات غوغائی به پا کرده است چون یکی از معاونان گفته است که به دستور آقای خامنه‌ای حالا فعلاً باشد و جواب شنیده که چطور در مورد مصطفی کاظمی که آقا خودشان میدانند که بی‌گناه است نمی‌فرمایند که از زندان آزاد شود.

خبر سوم اینست که این خبر هم به زودی فاش میشود که زن و دو بچه سعید امامی عامل اصلی قتل‌های زنجیره‌ای که نام‌های شان هم معلوم است همیشه دری و عامر و یاسر امامی هفته گذشته به آمریکا رفتند و در خانه‌ای که به دستور خامنه‌ای برایشان خریده شده ساکن شدند، با این شرط که سخنی

نگویند و با هیچ کس رابطه‌ای نداشته باشند. علی فلاحیان برای سفر آنها ریش گرو گذاشته و خودش تعهد کرده است که در صورت هر نوع تخلفی خودش آنها را بازگرداند. گفته میشود که بعد از پخش فیلمی که نشان میداد حاجی آقای بازجوی پرونده همسر سعید امامی با او چه میکند و چه حرفهائی در حضور ابازی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح به او میزنند، همسر سعید امامی خانه سازمانی را رها کرده و با همسر مصطفی کاظمی که در پرونده ادعا شده بود، که با وی روابط جنسی داشته است در خانه‌ای در خیابان پاسداران زندگی میکرد و سرانجام به خاطر وضع بد پسرانش که در مدرسه مسخره همشاگردی‌ها شده بود تقاضای کسب اجازه برای خروج از کشور را کرد. وقتی که این جمع از کشور خارج میشدند، مأموران فرودگاه مهرآباد که در کامپیوترشان هنوز او ممنوع الخروج بود، نگاهش داشته بودند و به حرف مأمور وزارت اطلاعات توجه نمیکردند تا بالاخره با پا در میانی سردار قالیباف فرمانده نیروی انتظامی این مشکل حل شد و آن‌ها در آخرین لحظات به هواپیمای بی ا (بی او ا ر سی سابق) رسیدند و رفتند.

خبر چهارم؛ مهمتر و هیجان انگیزتر است. در تهران به شدت شایع شده است که سفیر جمهوری اسلامی در آلمان که به زودی هم مانند سفیرشان در لندن و کانادا عوض میشود از قول مقامات آلمانی به وزارت خارجه خبر داده که به زودی دادگاه دیگری در آلمان باز هم ماجرای دادگاه میکونوس را مطرح خواهد کرد و این بار وزارت دادگستری حکم جلب هاشمی رفسنجانی، علی اکبر ولایتی و علی فلاحیان را تأیید میکند و به پلیس داده می‌شود و قرار است که آمریکائی‌ها بر اساس آن اعلام دارند که حکومت تهران باید این سه نفر را به عنوان عاملان ترور به دادگاه لاهه تحویل دهد.

بعد از ماجرای تاسیسات اتمی که جنجال آن باعث شده تا ایران برای دو سال دست از کار بر روی تاسیسات بوشهر بردارد و آن را به تعویق بیندازد و به دنبال ماجرای سران القاعده که تحویل مقامات آمریکائی داده شد این سومین فشاری که دولت بوش بر حکومت جمهوری اسلامی وارد میکند و با عقب نشینی جمهوری اسلامی حل میشود اما آیا این یکی هم قابل حل است و جمهوری اسلامی به خصوص میتواند هاشمی رفسنجانی را تحویل دهد.